



## سیستم اطلاعاتی امنیتی آمریکا دیگر قابل مدیریت نیست

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در مقاله‌ای با بررسی گسترش بی‌سابقه ابعاد دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا تصریح کرد که این دستگاه‌ها غیرقابل مدیریت شده‌اند.

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در مقاله‌ای با بررسی گسترش بی‌سابقه ابعاد دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا تصریح کرد که این دستگاه‌ها غیرقابل مدیریت شده‌اند.

به گزارش فارس، پایگاه اینترنتی روزنامه "واشنگتن‌پست" در مقاله‌ای به تشریح نتایج یک بررسی دو ساله بر روی ساز و کارهای گسترده‌ای پرداخته‌اند که پس از حملات یازدهم سپتامبر سال 2001، به بهانه مقابله با تروریسم و دور از چشم جامعه آمریکا در این کشور ایجاد شده است.

این روزنامه در این گزارش تحلیلی به قلم "دانا پریست" (Dana Priest)، نویسنده و روزنامه‌نگار 53 ساله آمریکایی و متخصص در امور جنگ علیه تروریسم و "ویلیام ام. آرکین" (William M. Arkin)، نظامی سابق آمریکایی و تحلیلگر 54 ساله مسائل سیاسی می‌نویسد: دنیای فوق محرمانه‌ای که دولت آمریکا در پاسخ به وقایع یازده سپتامبر بنیان نهاد آن قدر بزرگ و در عین حال مخفی است که اصلاً معلوم نیست چقدر پول در این دستگاه به خرج می‌رسد، چند نفر در ساز و کارهای مختلف آن مشغول به کار هستند، چه برنامه‌هایی در آن پیاده می‌شود و چه آژانس‌هایی در آن به طور موازی به ماموریتی واحد می‌پردازند؟

پس از نه سال پول پای این دستگاه مخفی ریختن و رشد بی‌سابقه آن، نتیجه حاصله این است که این دنیای مخفی از چشم‌ها به حدی حجیم شده است که نمی‌توان تشخیص داد آیا واقعا می‌تواند در حفظ امنیت آمریکا مفید باشد و یا خیر؟ در این تحقیق نتایج جالب دیگری هم به دست آمده است. از جمله اینکه:

اولاً، 1271 سازمان دولتی و 1931 شرکت خصوص آمریکایی در بخش مبارزه با تروریسم، امنیت ملی و عملیات اطلاعاتی فعالیت دارند و حضورشان در 10000 مکان مختلف در ایالات متحده قطعی است.

دوماً، تقریباً 854000 نفر که معادل چیزی در حدود 1.5 برابر جمعیت شهر واشنگتن دی سی است اجازه‌نامه‌های امنیتی ویژه برای دسترسی به پرونده‌های طبقه‌بندی شده دریافت کرده‌اند.

سوماً، از سال 2001 تنها در واشنگتن و حومه آن، 33 مجتمع ساختمانی ساخته شده و یا در حال ساخت است که به عملیات اطلاعاتی اختصاص یافته و یا خواهد یافت. در مجموع این ساختمان‌ها قریب به 17 میلیون فوت مربع فضا اشغال می‌کنند که سه برابر کل بنایی است که در اختیار پنتاگون است.

چهارم اینکه، بسیاری از آژانس‌های امنیتی و اطلاعاتی به ماموریت واحد اشتغال دارند، که این امر موجب هدررفت منابع است. به طور مثال 51 سازمان فدرال و ستاد فرماندهی در 15 شهر مختلف آمریکا تنها به پیگیری چگونگی ورود پول به سازمان‌های تروریستی و خروج پول از این سازمان‌ها اختصاص یافته‌اند.

پنجم، سالانه در حدود 50000 گزارش اطلاعاتی توسط تحلیلگران مختلف تهیه می‌شود. این رقم به حدی بزرگ است که بدیهی است برخی از این گزارش‌ها مورد اغماض قرار می‌گیرند.

#8226& ناکارآمدی دستگاه‌های مبارزه با تروریسم آمریکا

پریست و آرکین در ادامه گزارش خود تصریح کرده‌اند که آنچه به وقایعی نظیر تلاش برای بمب‌گذاری در یک فرودگاه در ایام کریسمس و تیراندازی‌های "فورت‌هود" اجازه وقوع داد کمبود منابع در سیستم مبارزه با تروریسم آمریکا نبود، بلکه کمبود تمرکز بود. هزاران تحلیلگری که به استخدام این دستگاه عظیم و مخفی درآمده‌اند نتوانستند یک بمب‌گذار را دستگیر کنند، پیش از آنکه وارد فضای پروازی شود!

چنین مواردی قطعاً می‌تواند موجب نگرانی کسانی باشد که مسوولیت امنیت ملت آمریکا بر عهده آنها است. وزیر دفاع آمریکا، "رابرت گیتس" نیز با ابراز نگرانی از رشد روزافزون دستگاه‌های امنیتی این کشور پس از واقعه یازده سپتامبر تصریح کرده است که این مساله نه تنها برای سازمان سیا بلکه برای وزارت دفاع آمریکا نیز به یک معضل تبدیل شده است.

در وزارت دفاع آمریکا که به تنهایی دو سوم پروژه‌های اطلاعاتی را انجام می‌دهد تنها تعداد معدودی از مقامات اجازه دارند به همه اطلاعات دسترسی داشته باشند. اما همانگونه که برخی از این مقامات ارشد در مصاحبه‌های خود گفته‌اند نمی‌توانند از پس ماموریت حساس خود برآیند.

عریض و طویل شدن دستگاه‌های اطلاعاتی و در نتیجه عملیات اطلاعاتی در مصاحبه یکی از این مقامات خود را نشان می‌دهد: "من آنقدر عمر نخواهم کرد تا وقت داشته باشم در جریان همه چیز قرار بگیرم. برنامه اطلاعاتی پشت برنامه اطلاعاتی شروع می‌شود و فرصت کافی برای رسیدگی به همه آنها وجود ندارد."

میزان جدی بودن این مسائل سال گذشته توسط ژنرال بازنشسته، "جان آر. وینز" (John R. Vines) که زمانی 145000 سرباز در عراق تحت فرمان او بودند مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌های او در بررسی‌هایش خودش را نیز متعجب کرد.

وی در یک مصاحبه می‌گوید: "من هیچ دستگاه مسوولی را نمی‌بینم که مسوولیت هماهنگی این همه فعالیت اطلاعاتی و بازرگانی را

بر عهده داشته باشد. پیچیدگی این سیستم به حدی است که قابل توصیف نیست! " این دو تحلیلگر آمریکایی ادامه می‌دهند: وینز چنین نتیجه‌گیری کرده است که نمی‌توان گفت با وجود همه مخارجی که برای این سیستم امنیتی بزرگ انجام شده است آمریکا امن‌تر شده است یا نه؟! تحقیقات واشنگتن‌پست مبتنی بر مستندات و قراردادهای دولتی، مستندات شرح شغل، سیستم ثبت اموال، شبکه‌های اجتماعی و صدها مصاحبه با مقامات اطلاعاتی و امنیتی است. بیشتر این افراد تقاضا کردند تا نامی از آنها برده نشود چون اجازه ندارند دانسته‌های خود را برای عامه بیان کنند. آنها می‌ترسیدند که به‌خاطر بیان این مسائل با تنبیهات شغلی مواجه شوند. وزیر دفاع آمریکا در مصاحبه خود با واشنگتن‌پست تصریح کرد که به نظر وی سیستم هنوز آن‌قدر بزرگ نشده که قابل مدیریت نباشد اما گاهی دسترسی به اطلاعات بسیار مشکل می‌شود. وی با اشاره به رشد واحدهای اطلاعاتی در سیستم وزارت دفاع افزوده است که تصمیم دارد این واحدها را مرور کند تا از هدررفت منابع جلوگیری شود. به گفته وی: "9 سال پس از یازده سپتامبر بد نیست که یک بازنگری داشته باشیم و بگوییم که بله، ما آنچه را نیاز داشته‌ایم ایجاد کرده‌ایم اما آیا چیزهایی نیستند که زاید بر نیاز ما باشند؟! "

&8226#; دستگاه اطلاعاتی آمریکا با سر به دیوار خواهد خورد!

"لئون پاننا" (Leon Panetta)، رئیس سازمان سیا نیز در گفتگو با واشنگتن‌پست اظهار داشت که قصد دارد برنامه‌ای پنج‌ساله را برای این سازمان تدوین کند، چرا که روش هزینه‌کرد پس از یازده سپتامبر نمی‌تواند برای همیشه باقی بماند. به گفته وی: "با این نقایصی که با آن مواجهیم حتماً با سر به دیوار می‌خوریم! من دارم خود را برای این حادثه آماده می‌کنم و همه در دستگاه‌های اطلاعاتی باید خود را برای چنین اتفاقی آماده کنند!" "دنيس سي. بلر" (Dennis C. Blair)، رئیس پیشین اطلاعات ملی آمریکا پیش از استعفا در مصاحبه‌ای گفته بود: من باور ندارم که فعالیت‌های اطلاعاتی می‌توانند با هم تداخل داشته باشند. آنچه فعالیت اضافی به‌نظر می‌رسد در واقع سلسله اطلاعاتی را برای مشتریان دیگر مهیا می‌کند.

دنيس بلر همچنین تصریح کرده بود که زیردستان وی آنچه را لازم است بدانند به وی می‌گویند. به گفته وی: "من بر تمامی برنامه‌های مهم اطلاعاتی اشراف دارم. فرآیندی وجود دارد که تضمین می‌کند که قابلیت‌های مختلف اطلاعاتی در کنار هم و با هم کار کرده و نیازها را برآورده می‌سازند."

اما هفته‌ها بعد همین آقای بلر در سخنرانی خود در "هتل ویلارد" همان چیزی را گفت که یافته‌های واشنگتن‌پست هم بر آن اذعان دارند. وی تصریح کرد: "پس از یازده سپتامبر، زمانی که تصمیم گرفتیم به افراطی‌گری یورش ببریم، کاری را انجام دادیم که در این کشور زیاد انجام می‌شود و آن هم استفاده از اصل "کار نیکو کردن از پر کردن است" بود. اگر کاری ارزشمند است، زیاد انجام دادن آن هم ارزشمند است."

&8226#; تشکیلات عریض و طویلی که فایده آنها روشن نیست!

تحلیلگران واشنگتن‌پست در ادامه مقاله خود می‌نویسند: بیرون از یکی از بخش‌های فرعی عمارت‌های بزرگ "مک لین"، هر روز هفته صفی از اتوموبیل‌ها مدت زمانی را در انتظار می‌گذرانند تا صبحی جدید در دستگاه سری امنیتی آمریکا آغاز شود. رانندگان مدتی را صبورانه به انتظار می‌نشینند تا بتوانند گردش به چپ کرده و از تپه‌ای بالا بروند که سرانجام به نقطه‌ای منتهی می‌شود که نام آن در هیچ نقشه‌ای آورده نشده و هیچ علامتی هم ندارد.

خیلی تلاش شده است تا ساختمان موسوم به "لیبرتی کراسینگ" از چشم‌ها پنهان بماند اما آنگاه که زمستان فرامی‌رسد و برگ‌ها بر تن درختان باقی نمی‌ماند، پوشانیدن این کوه سیمانی پر از پنجره از چشم‌ها کار ساده‌ای نیست! اگر کسی بخواهد بدون داشتن علائم ویژه به این ساختمان نزدیک شود، با مردان سیاه‌پوش مسلحی مواجه می‌شود که چون اجل معلق سررسیده و سلاح‌هایشان را به سمت وی نشانه می‌گیرند.

اگر بشود از حفاظ‌های سنگین و موانع فولادی هیدرولیک گذشت و وارد محوطه شد، با ساختمان لیبرتی کراسینگ مواجه می‌شویم که در آن حداقل 1700 کارمند دولت فدرال و 1200 کارمند پیمان‌کاران خصوصی مشغول به‌کارند. در این ساختمان دو مرکز فرماندهی مهم قرار دارد، یکی مرکز فرماندهی اطلاعات ملی آمریکا و دیگری مرکز ملی مبارزه با تروریسم.

ساختمان عظیم لیبرتی کراسینگ اصلی‌ترین مجموعه در میان مجموعه‌هایی است که پس از یازده سپتامبر در آمریکا ایجاد شده‌اند. اما بزرگترین نیست. در "آرلینگتون کانتی" ساختمانی وجود دارد که حتی از لیبرتی کراسینگ هم عظیم‌تر است. به نوشته پریست و آرکین هر روز در سراسر ایالات متحده چیزی قریب به 854000 نفر با امتیازات ویژه امنیتی وارد اتاق‌هایی می‌شوند که همه مجهز به قفل‌های الکترومغناطیسی، شبکه‌ای از دوربین‌ها و دیوارهای مستحکمی است که آلات استراق سمع در آنها قابلیت نفوذ ندارند.

این دستگاه عریض و طویل شباهتی به مجموعه نظامی صنعتی ایجاد شده توسط "آیزنهاور" رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در جریان جنگ سرد برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی ندارد. ادعا می‌شود که مجموعه فعلی تنها برای مقابله افراطیون فراملیتی طراحی شده است!

بیشتر اطلاعات این مجموعه دارای طبقه‌بندی است. شاید یکی از دلایل اینکه نمی‌توان ارزیابی کرد که این آمریکایی مخفی شده در دل

آمریکا تا چه حد موفق بوده است همین طبق بندی اطلاعاتی باشد. به همین ترتیب نمی توان ارزیابی کرد که پول در این دستگاه عریض و طویل چگونه هزینه می شود؟ بودجه اطلاعاتی آمریکا رقم بسیار بالایی است، رقمی که برای سال گذشته به اطلاع مردم رسید 75 میلیارد دلار بود که به مراتب بیش از مبلغ بودجه اطلاعاتی آمریکا پیش از یازده سپتامبر است. اما باید توجه داشت که این مبلغ شامل بودجه بسیاری از فعالیت های ضد تروریستی و نظامی نمی شود.

بنابراین گزارش فوق، حداقل 20 درصد از سازمان های دولتی مأمور به مبارزه با تروریسم پس از یازده سپتامبر ایجاد شده یا کلا تجدید ساختار شده اند. بسیاری از سازمان های موجود هم با توجه به افزایش بودجه آنها در دوران بوش به شدت حجیم شدند چرا که نمی دانستند این همه پول را چگونه خرج کنند!

به طور مثال، سازمان اطلاعات دفاعی پنتاگون در سال 2002 در حدود 7500 کارمند داشت اما اکنون 16500 کارمند دارد. بودجه آژانس امنیت ملی آمریکا که مبارزه با استراق سم الکترونیک را برعهده دارد نیز 2 برابر شد. 35 نیروی مشترک ضد تروریستی "اف بی آی" به 106 نیرو افزایش یافت. تمام این افزایش حجم درست بلافاصله پس از یازده سپتامبر آغاز شد.

در این مقاله تصریح شده است: 9 روز پس از حملات یازده سپتامبر کنگره آمریکا بودجه ای معادل 40 میلیارد دلار برای تقویت قوای دفاعی در خاک آمریکا و اجرای عملیات علیه القاعده در سراسر جهان بر بودجه نظامی آمریکا افزود. این اضافه بودجه با 36.5 میلیارد دلار در سال 2002 و 44 میلیارد دلار در سال 2003 تکمیل شد. این تنها یک آغاز بود.

با تزریق بی محابای پول، آژانس های نظامی و اطلاعاتی چند برابر شدند. تنها تا پایان سال 2001 میلادی 24 سازمان جدید بنیاد نهاده شدند. دو سازمان از سازمان های ایجاد شده "اداره امنیت میهنی" و "نیروی پیگیری دارایی های خارجی گروه های تروریستی" بودند. در سال 2002 میلادی 37 سازمان دیگر به مجموعه سازمان های موجود اضافه شدند که اهداف اصلی آنها ردیابی سلاح های کشتار جمعی، شناسایی اشکال جدید تهدید و تمرکز جدید بر مبارزه با تروریسم بود.

سال بعد 36 سازمان دیگر به سازمان های موجود اضافه شدند، سال بعد 26 سازمان، سال بعدی 31 سازمان دیگر، سپس 32 سازمان دیگر و در سال های 2007، 2008 و 2009 هرکدام 20 سازمان دیگر به مجموعه سازمان های موجود افزوده شدند.

در کل، حداقل 263 سازمان جدید در پاسخ به یازده سپتامبر به مجموعه سازمان های موجود افزوده شده است. بدیهی است که هر یک از این سازمان ها به کارکنان جدید نیاز خواهند داشت و این کارکنان نیز به نوبه خود به امکاناتی همچون اپراتور تلفن، منشی، کتابخانه، محل کار و ... نیاز خواهند داشت.

با افزایش تعداد کارکنان، واحدهای کاری و سازمان ها، خطوط افتراق میان مسوولیت ها شروع به کمرنگ شدن کردند. برای جبران این امر طبق پیشنهاد کمیسیون دوحزبی یازده سپتامبر کنگره آمریکا و دولت بوش در سال 2004 تصمیم گرفتند که سازمان جدیدی را ایجاد کنند تا مسوولیت کنترل و هماهنگی مسوولیت ها را بر عهده داشته باشد. این سازمان جدید "دفتر مدیریت اطلاعات ملی" (ODNI) نام گرفت.

ODNI #8226& هم کاری از پیش نمی برد!

پریست و آرکین در ادامه این مقاله اشاره کرده اند: تشکیل ODNI ایده بدی به نظر نمی رسید اما در مسیر کارکرد آن مشکلاتی وجود داشت:

اولین مشکل این بود که قانون تصویب شده در کنگره برای تشکیل این سازمان جدید هیچ گونه اختیار حقوقی یا بودجه ای روشن به این سازمان نمی داد تا بر برنامه های اطلاعاتی و امنیتی اعمال قدرت کند. بنابراین ODNI قدرتی نداشت تا بتواند سایر آژانس های اطلاعاتی را کنترل کند.

دومین مشکل این بود که سازمان های دیگر به هیچ وجه همکاری لازم را با ODNI از خود نشان ندادند. وزارت دفاع آمریکا بخشی از بودجه خود را از فعالیت به فعالیت دیگر اختصاص داد تا از دسترس ODNI خارج شود. سازمان سیا نیز بخشی از اطلاعات در دسترس خود را ارتقای درجه حفاظتی داد تا کارکنان ODNI قانوناً حق دسترسی به آنها را نداشته باشند.

و سومین مشکل جالبترین مشکل بود و تا امروز هم ادامه دارد. این مشکل حجیم شدن بی حد و حصر همین ODNI بوده و هست! وقتی که ODNI در سال 2005 آغاز به کار کرد دفتری کوچک داشت و 11 کارمند. یک سال بعد، به یک ساختمان دوطبقه منتقل شد تا کمبود فضای ناشی از افزایش پرسنل جبران شود. در آوریل 2008، همین سازمان نسبتاً کوچک برای تأمین فضا به دفتری بسیار بزرگ در لیبرتی کراسینگ منتقل شد!

امروزه بسیاری از مقامات آژانس های مختلف اطلاعاتی آمریکا دقیقاً نمی دانند که مسوولیت ODNI چیست؟! البته این سازمان کاملاً هم بی کار نبوده است. ODNI در زمینه تعیین سطح دسترسی به اطلاعات، فن آوری اطلاعات و اصلاح بودجه کارهایی انجام داده است. مدیران و کارکنان ODNI هر روز جلساتی برای پیگیری کارها انجام می دهند. در زمینه نحوه تدارکات، استانداردهای خرید، شبکه های مورد نیاز رایانه ای و نحوه همکاری میان کارکنان هم به نتایجی دست یافته است.

اما با این حال پیشرفت های ODNI در سایه رشد بیش از حد ابعاد اطلاعات قابل چشم پوشی است. به واقع افزایش حجم اطلاعات در این سازمان و دیگر سازمان های مربوط به بخش اطلاعات و امنیت آمریکا توان تحلیل اطلاعات را از آنها گرفته است. هر روز در سیستم اطلاعات و امنیت ملی آمریکا قریب به 1.7 میلیارد ایمیل، تماس با تلفن همراه و سایر ارتباطات ذخیره می شود. آژانس امنیت ملی آمریکا صاحب 70 پایگاه داده مختلف است. بقیه سازمان های اطلاعاتی آمریکا هم با همین مشکل مواجه اند. آن قدر حجم اطلاعات بالاست که هیچکدام قادر به تحلیل آن نیستند.

به نوشته این دو تحلیلگر واشنگتن پست نتیجه وجود چنین حجمی از اطلاعات در مقیاسی کوچکتر در دفتر "مایکل لیتر" (Michael Leiter) مدیر مرکز ملی مقابله با تروریسم، کاملاً روشن است. لیتر مجبور است هر روز بین چهار نمایشگر رایانه که بر روی میز کار وی قرار دارند سرچرخاند. شش دیسک سخت رایانه هم زیر پای او قرار دارد. جریان اطلاعات به شدت زیاد است و پایگاه‌های داده مختلف که از شبکه‌های رایانه‌ای مختلف تغذیه شده و هیچ ربطی هم به هم ندارند به سرعت در حال تکمیل شدن هستند. توضیحات مربوط به اینکه چرا این پایگاه‌های داده هنوز به هم متصل نشده‌اند بسیار طولانی است اما خلاصه آن چنین است: اتصال این پایگاه‌های داده به یکدیگر کار بسیار دشواری است. برخی از سران آژانس‌های اطلاعاتی به واقع نمی‌خواهند سیستم‌های فعلی را کنار بگذارند. البته لیتر از یک پیشرفت بسیار شادمان است و آن اینکه می‌تواند همه ایمیل‌های خودش را روی یک رایانه ببیند!

&#8226;# تجهیزات گران‌قیمت، مشخصه جدید امنیت ملی در آمریکا!

در ادامه مقاله از نظرگاهی دیگر به میزان پراکندگی دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی آمریکا در سراسر خاک این کشور پرداخته شده است. نویسندگان مقاله پس از ذکر برخی شواهد در خصوص وجود تسهیلات مربوط به این‌گونه سازمان‌ها در نقاط مختلف کشور تصریح کرده‌اند که خوشه‌های سازمان‌های امنیتی سری در همه جای خاک آمریکا وجود دارند اما واشنگتن همان‌طور که پایتخت آمریکا است، پایتخت این آمریکای سری هم هست.

تقریباً نیمی از سازمان‌هایی که پس از یازده سپتامبر تاسیس شده‌اند در واشنگتن و اطراف آن قرار دارند. بسیاری از ساختمان‌های این سازمان‌ها در محوطه‌های دولتی و پایگاه‌های نظامی قرار دارند. برخی نیز در مراکز تجاری، در همسایگی مدارس یا بازارها قرار داشته و مردم نیز توجهی به وجود آنها ندارند.

پریست و آرکین در ادامه توضیحاتی در خصوص ساختمان‌سازی‌ها و ولخرجی‌های سازمان سیا پس از یازده سپتامبر در محدوده شهر واشنگتن ارائه کرده و تصریح می‌کنند که صدها میلیون دلار پولی که می‌باید محرک اقتصاد آمریکا می‌بود صرف ساخت و سازهای این‌چنینی شده است.

البته فقط خود ساختمان‌ها و تعداد و ابعاد سرسام‌آور آنها نیست که معرف ولخرجی‌های صورت‌پذیرفته است. در درون این ساختمان‌ها پر است از تجهیزات گران‌قیمت نظیر نمایشگرهای پیشرفته تلویزیون، انواع دستگاه‌هایی که با اشعه ایکس کار می‌کنند، قفل‌های رمزدار برای اتاق‌های ویژه، تجهیزات جلوگیری از استراق سمع و ... هر کدام از این ساختمان‌ها حداقل یک اتاق SCIF دارد. اتاق SCIF اتاقی است با تجهیزات و ترتیبات امنیتی بسیار ویژه. برخی از این اتاق‌ها کوچک است اما برخی از آنها چهار برابر یک زمین فوتبال وسعت دارد!

SCIF به شاخص اهمیت ساختمان‌ها در این دنیای مخفی تبدیل شده است. هرچقدر بزرگتر باشد معلوم می‌شود که این ساختمان، ساختمان مهمتری است. البته SCIF تنها چیزی نیست که داشتن آن برای این سازمان‌های امنیتی ضروری است. دفاتر فرماندهی، شبکه تلویزیون داخلی، محافظین شخصی و ... نیز به الزامات امنیت ملی آمریکا تبدیل شده‌اند.

یک ژنرال سه ستاره آمریکایی می‌گوید: هیچ ژنرال چهار ستاره‌ای در آمریکا پیدا نمی‌شود که برای خود تجهیزات ویژه امنیتی نداشته باشد. ترس باعث شده است تا همه به فکر امنیت خود باشند. البته وقتی دیگری دارد پس من هم باید از چنین تجهیزاتی برخوردار باشم.

&#8226;# تحلیلگران ناآزموده بخش اطلاعات و امنیت آمریکا!

در میان افراد بسیار مهمی که در SCIFها حضور دارند، بعضاً آدم‌های غیرمهمی هم هستند که برای صرفه‌جویی در هزینه‌هایشان غذایشان را با خود از منزل می‌آورند. این‌ها را در سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا تحلیلگر می‌خوانند. جوانان 20 تا 30 ساله‌ای که سالانه بین 41000 تا 65000 دلار درآمد دارند. شغل آنها به‌گونه‌ای است که در مرکز تمامی فعالیت‌های سری اطلاعاتی قرار دارند. فرآیند تحلیل اطلاعات مختلف را به‌گونه‌ای ترکیب می‌کند که سرانجام به راهنمایی برای کشف تهدیدهای ضد ایالات متحده آمریکا بدل شود. شغل آنها به شدت با رایانه گره خورده است. رایانه به آنها کمک می‌کند تا بتوانند اطلاعات را دسته‌بندی و طبقه‌بندی کنند. اما به هر حال تحلیل هرچه باشد در پایان به قضاوت انسان نیاز دارد. نیمی از این تحلیلگران کلاً بی‌تجربه هستند و برخی از آنها فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده و آموزش‌های شرکتی دیده‌اند.

این دو تحلیلگر واشنگتن پست ادامه داده‌اند: این تحلیلگران در زمان استخدام اطلاعات بسیار کمی در خصوص کشورهای حساس نظیر عراق، ایران، افغانستان و پاکستان دارند و تقریباً به‌هیچ‌وجه زبان این کشورها را بلد نیستند. با این حال تعداد گزارش‌هایی که این افراد در خصوص این کشورها تولید می‌کنند سرسام‌آور است. ODNی هم به درستی نمی‌داند که دقیقاً چند گزارش در هر سال تولید می‌شود اما کارشناسان این سازمان متوجه شده‌اند که تقریباً 60 سایت که بی‌ثمر شناخته شده و قرار بود تعطیل شوند همچنان مشغول به کارند! یک کارشناس می‌گوید: "این سایت‌ها انگار جان سگ دارند که همچنان کار می‌کنند."

برخی از مقاماتی که باید این گزارش‌ها را بخوانند می‌گویند که مشکل اینجاست که بسیاری از این گزارش‌ها مربوط به موضوعات مشابهی است که مدام تکرار می‌شوند. "ریچارد ایچ. ایمرمن" (Richard H. Immerman)، از مقامات سابق ODNی در این خصوص می‌گوید: "یک اتفاق که می‌افتد همه به سمت آن یورش می‌برند تا آن را پوشش دهند. به این ترتیب تداخلات زیادی ایجاد می‌شود."

پریست و آرکین افزوده‌اند: حتی در سطح "مرکز ملی مقابله با تروریسم" (NCTC) که به نظر بسیار حساس است و باید تحلیلگران مستقر در آن بسیار قوی باشند، گفته می‌شود که این تحلیلگران هم نمی‌توانند گزارش‌های چندان قوی تولید کنند که حداقل بهتر از گزارش‌های سازمان سیا، اف بی آی، آژانس امنیت ملی و بخش اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا باشد.

در دوره‌ای که "ژنرال جان ام. کاستر" (John M. Custer) در ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا مسوولیت عملیات اطلاعاتی را بر عهده داشت از اینکه اطلاعات خروجی از مرکز ملی مقابله با تروریسم تا این حد به‌درنخور است ابراز خشم می‌کرد! در سال 2007، وی در این خصوص در دیار با رئیس سابق مرکز ملی مقابله با تروریسم اظهار داشت: "پس از بیش از 40 سال این سازمان حتی یک گزارش که به درد من بخورد تولید نکرده است."

دو سال پس از آن روز و در حالی که کاستر اکنون مدیر دانشکده اطلاعات ارتش آمریکا در منطقه‌ای از آریزونا است هرگاه که آن روز را به خاطر می‌آورد صورتش از خشم سرخ می‌شود. وی که کاملاً از بوروکراسی آمریکایی ناامید شده است در این خصوص می‌گوید: "چه کسی مسوول آن است که کارهای زائد را کاهش داده، هماهنگی ایجاد کرده و از دوباره‌کاری جلوگیری کند تا محصولات مشابه تولید نشوند؟!"

در ادامه گزارش واشنگتن‌پست می‌خوانیم: البته کاستر تنها کسی نیست که از این موضوع ناراحت است. سپس مثالی از یک مقام امنیتی و اطلاعاتی دیگر که نامش مشخص نیست ذکر شده که مجبور است حجم گسترده‌ای از اطلاعات را هر روز بخواند. از خلاصه اطلاعات روزانه گرفته تا پیش‌بینی اطلاعات هفته آتی، گزارش‌های مختلف ارزیابی و ...

وی ضمن شکایت از حجم گسترده‌ای از اطلاعات که باید بخواند یک زنکن از اطلاعات را روی دست گرفته و می‌گوید: چرا باید این همه وقت صرف تولید این اطلاعات شود؟ چرا این اطلاعات باید تا این حد حجیم باشد؟ چرا کاغذی است و مکانیزه نشده است؟ اضافه حجم گزارش‌های ساعتی، روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه کاملاً غیرسازنده است. این نظر همان کسانی است که این اطلاعات را دریافت می‌کنند. برخی از سیاستمداران آمریکایی حتی جرات نمی‌کنند سراغ رایانه‌های پر از اطلاعاتشان بروند و در نتیجه از اطلاعات خلاصه‌ای استفاده می‌کنند که مقامات امنیتی اطلاعاتی به آنها ارائه می‌کنند. این مقامات نیز عموماً متکی بر اطلاعات سازمانی هستند که خود به آن تعلق دارند و سرانجام همان مشکل همیشگی باقی می‌ماند: کمبود دسترسی به اطلاعات مفید برای تصمیم‌سازی.

دفتر امور تحلیل‌های ODNI نیز به خوبی به این معضل واقف است. اما باید دانست که تحلیل تنها جایی نیست که در آن تداخل کارها روی می‌شود و خطوط مسوولیت محو می‌شود.

تنها در وزارت دفاع آمریکا 18 آژانس و فرماندهی، عملیات اطلاعاتی را راهبری می‌کنند و همگی آرزو دارند که افکار عمومی جهانیان را نسبت به سیاست خارجی آمریکا مدیریت کنند. تمامی آژانس‌های اطلاعاتی و حداقل دو فرماندهی نظامی ادعا می‌کنند که فرماندهی "نبرد سایبری" را بر عهده دارند. حوزه نبرد سایبری جدیدترین جبهه این نبرد محسوب می‌شود.

پانته رئیس سازمان سیا در خصوص سازمان‌هایی که در امر جنگ سایبری دخالت دارند می‌گوید: هنوز رویکرد جنگ سایبری به صورت مجتمع و یکپارچه طرح‌ریزی نشده است.

"بنیامین ای. پاول" (Benjamin A. Powell)، که پیش‌تر مشاور سه نفر از مدیران اطلاعات ملی آمریکا بوده و همین سال گذشته پست خود را ترک گفته است در این خصوص می‌گوید: هماهنگ‌کردن عملیات سایبری کار سختی است. گاهی این رویکرد نامناسب در جنگ سایبری به چشم می‌خورد که باید همه امکانات را بسیج کرد و آماده دفاع از خود بود. دلیلش هم این است که در این بخش پول خوبی خرج می‌شود!"

#8226& سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا از درون ارتش این کشور بی‌خبرند

در ادامه مقاله پریست و آرکین با اشاره به یک نمونه واقعی، کارآمدی سازمان عظیم اطلاعاتی آمریکا را از زاویه‌ای دیگر محک می‌زنند. پاییز گذشته یک سرهنگ ارتش آمریکا به نام "ندال ملک حسن" در فورت‌هود تگزاس به روی عده‌ای آتش گشود و ضمن قتل 13 نفر، 30 نفر را مجروح کرد. چند روز پس از این تیراندازی اخبار عجیبی از رفتارهای تعجب‌برانگیز حسن در مرکز درمانی "والتررید" ارتش آمریکا منتشر شد که توجه همگان را به خود جلب کرد. جالب است بدانید که این سرهنگ ارتش آمریکا در مرکز درمانی مذکور به عنوان یک روانپزشک آموزش دیده بود! وی در این مرکز هشدار می‌داد که باید به مسلمانان اجازه داده شود ارتش آمریکا را ترک کنند وگرنه حضور آنها برای آمریکایی‌ها خطرناک است به بار خواهد آورد! نکته مهم دیگر اینکه حسن ایمیل‌هایی نیز با یک روحانی مشهور بنیادگرا در یمن مبادله می‌کرده است. این روحانی بنیادگرا مدتی است که تحت تعقیب دستگاه‌های امنیتی آمریکا است.

اما جالب‌تر از همه این است که حتی یکی از این ایمیل‌ها نیز به دست سازمان‌های عریض و طویلی که مسوولیت عملیات ضداطلاعات در ارتش آمریکا را بر عهده داشتند نیفتاده بود! تنها 25 مایل آن طرف‌تر از والتررید، "رکن 902 اطلاعات نظامی آمریکا" قرار دارد که ظاهراً کار مهمی در شناسایی تهدیدها به عمل نمی‌آورده است وگرنه باید این تهدید را شناسایی می‌کرد. به جای آن، فرماندهی رکن 902 تصمیم گرفته بود که تمرکز این رکن را متوجه تهدیدات عمومی تروریست‌ها در جامعه آمریکا کند، یعنی مقوله‌ای که "اداره امنیت میهنی" و "نیروی مشترک 106 اف بی آی" هم بدان اشتغال داشتند!

درست مقارن با همین دوران در رکن 902 یک برنامه اطلاعاتی در حال پیاده شدن بود که فرماندهی این رکن آن را "ریتا" می‌خواند. هدف از اجرای برنامه ریتا شناسایی تهدیدات بنیادگرایی اسلامی علیه ارتش آمریکا بود و تمرکز آن بر حزب‌الله لبنان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و مراکز پرورش دانشجوی القاعده در خاک آمریکا بود. یک مقام ارشد ضد اطلاعات ارتش آمریکا در خصوص

برنامه ریئا می‌گوید که این برنامه هیچ نتیجه‌ای جز همان چیزهایی که همه از قبل می‌دانستیم دربرداشت. تحلیلگران واشنگتن پست ادامه داده‌اند: محرمانه‌بودن فعالیت‌های اطلاعاتی و نبود هماهنگی به سازمان‌هایی نظیر رکن 902 اجازه داده است که بر روی موضوعاتی کار کنند که قبلاً روی آنها کار اطلاعاتی انجام پذیرفته است.

&8226#; شیوه حفاظت اطلاعات در آمریکا بحث‌برانگیز است

برخی از مقامات اطلاعاتی بر این باورند که محرمانه‌بودن بیش از حد عملیات اطلاعاتی علاوه بر دوباره کاری آسیب‌های دیگری هم به بار آورده است. ریشه این مشکل در وزارت دفاع آمریکا به برخی پرونده‌های اطلاعاتی فوق‌سری بازمی‌گردد که دسترسی به آنها محدود بوده و تنها برخی مقامات آموزش‌دیده اجازه دسترسی به آنها را دارند.

این پرونده‌ها به "برنامه‌های دسترسی خاص" (SAP) معروفند. اسامی کد شده این برنامه‌ها در پنتاگون بیش از 300 صفحه است. جامعه اطلاعاتی آمریکا صدها مورد بیش از این برنامه‌ها را دارد و هر یک از این برنامه‌ها نیز به نوبه خود شامل چند زیربرنامه که هر یک از زیربرنامه‌ها هم محدودیت‌های دسترسی ویژه خود را الزام می‌کنند. این بدان معناست که عده بسیار کمی از افراد دقیقاً می‌دانند که چه چیز در جریان است.

"جیمز آر. کلایپر" (James R. Clapper)، معاون وزیر دفاع آمریکا در امور اطلاعات و نامزد ریاست سازمان ملی اطلاعات آمریکا در دوره اوباما در این خصوص می‌گوید: "تنها یک نفر قادر است از مفاد همه پرونده‌ها اطلاع داشته باشد و آن هم کسی جز خداوند بزرگ نیست."

این سطح از سری بودن اطلاعات حتی زنجیره دستور مافوق به زیردست را هم به هم می‌زند چرا که فرماندهان برای به‌وجود نیامدن رقیب از اطلاع یافتن زیردستان از آنها جلوگیری کرده و یا زیردستان مجبور می‌شوند فرماندهان خود را از مسائل بی‌اطلاع نگه‌دارند. یک افسر نظامی در این خصوص می‌گوید که یکبار سندی را امضا کرده و ملزم بوده که آن را از ژنرال چهار ستاره‌ای که فرماندهاش محسوب می‌شده مخفی نگاه دارد، چرا که فرمانده حق نداشته چیزی در مورد این سند بداند.

یک فرمانده نظامی دیگر روزی را به یاد می‌آورد که می‌خواسته است بداند که فلان برنامه که دارد بودجه سازمانش را صرف می‌کند چه برنامه‌ای است؟ و به او گفته می‌شود که حق ندارد چیزی در مورد آن بداند.

برخی مقامات اطلاعاتی بر این باورند که که وزارت دفاع آمریکا باید یک‌بار دیگر به همه برنامه‌های اطلاعاتی نگاهی انداخته و تعیین کند که کدامیک از آنها همچنان ارزش آن را دارد که بر آن کار شود؟! ODNI نیز تاکنون دست به چنین کاری نزده است. بهترین کاری که این سازمان می‌تواند انجام دهد این است که پایگاه داده‌ای از مهمترین برنامه‌های اطلاعاتی در دست انجام در جامعه اطلاعاتی امنیتی آمریکا تهیه کند. هرچند که این پایگاه داده نیز نمی‌تواند شامل بسیاری از پروژه‌های مهم اطلاعاتی پنتاگون باشد!

&8226#; چگونگی برخورد سیستم اطلاعاتی مخفی آمریکا با اطلاعات مهم

در ادامه مقاله پریست و آرکین نوشته‌اند: از آنجا که این آمریکایی‌سری با اصول حفاظت اطلاعات عجین شده است نمی‌توان فهمید که در آن دقیقاً چه می‌گذرد اما بعضاً شواهدی به دست می‌آید که پرده از برخی امور برمی‌کشد. یکی از شواهد اخیر بهترین و بدترین وضعیت سیستم اطلاعاتی سری آمریکا را پس از یازده سپتامبر به تصویر کشیده است.

پاییز گذشته و در حالی که این سیستم کاملاً رشد کرده و هرچه می‌خواست نفر استخدام کرده بود ناگهان معلوم شد که در یمن خبرهایی است. لذا اوباما دستور داد که ده‌ها کماندوی آمریکایی به این کشور اعزام شوند و رهبران وابسته به القاعده در این کشور را به قتل برسانند.

کماندوهای آمریکایی در یمن یک مرکز عملیات مشترک ایجاد کردند و آن را به انواع تجهیزات ارتباطی مجهز کردند. از این مرکز عملیات مشترک هزاران گزارش، عکس، ویدئو و ... با ده‌ها آژانس اطلاعاتی مخفی در ایالات متحده مبادله شد.

این دقیقاً همان سیستمی بود که قرار بود بنیاد گذاشته شود. اما وقتی که اطلاعات دریافتی از یمن به مرکز ملی مقابله با تروریسم در آمریکا رسید؛ این اطلاعات زیر بار 5000 عملیات اطلاعاتی روزمره گم شدند. تحلیلگران تنها توانستند از پایگاه داده‌ای به پایگاه داده دیگر، از دیسک سختی به دیسک سخت دیگر و از نمایشگر دیگر به نمایشگر دیگر اطلاعات جدید را جاگذاری کنند تا بعدها در صورتی که جالب باشند مورد مطالعه قرار گیرند.

با افزایش شدت عملیات نظامی در یمن و بالا گرفتن بحث احتمال وقوع حمله تروریستی، سازمان‌های اطلاعاتی تلاش خود را افزایش دادند. به این ترتیب سلیلی از اطلاعات به سمت مرکز ملی مقابله با تروریسم جاری شد.

طبعاً در میان این سیل اطلاعات برخی مهم‌تر بودند. اسامی برخی افراد در یمن، اطلاعاتی در مورد یک نیجریه‌ای بنیادگرا که عازم یمن شده بود، گزارشی در مورد پدری نیجریه‌ای که نگران پسرش بود که در یمن به بنیادگرایی علاقمند شده و ناپدید شده است و ...

تمامی این مطالب می‌توانستند راهنمایی برای فهم این موضوع باشند که یک جوان نیجریه‌ای به نام "عمر فاروق عبدالمطلب" قرار است روزی به فرودگاه دیترویت حمله کند. اما هیچ‌کس این اطلاعات را کنار هم قرار نداد و نتیجه لازم را از آنها نگرفت چون سیستم اطلاعاتی مخفی آمریکا بیش از حد بزرگ شده و در آن حدود مسوولیت خلط شده بود.

به عبارت دیگر در این سیستم دقیقاً روشن نیست که مسوولیت با کیست؟ همه به همه چیز کار دارند. به همین دلیل عبدالمطلب توانست سوار پرواز شماره 253 خطوط هوایی شمال غربی شود! آن‌طور که گفته می‌شود وی تلاش کرد تا مواد منفجره پنهان کرده زیر

پیراهن خود را منفجر کند. و البته سیستم اطلاعاتی عریض و طویل و هزینه‌بر ایجاد شده پس از یازده سپتامبر نبود که توانست جلوی اقدام وی را بگیرد بلکه یک مسافر هواپیما متوجه موضوع شده و جلوی وی را گرفت.

پس از این واقعه "جان برنان" (John Brennan)، مشاور کاخ سفید در امور مقابله با تروریسم اظهار داشت: "ما نتوانستیم سیستم اطلاعاتی خود را اولویت‌بندی کنیم. چرا که هیچ سازمان اطلاعاتی عملاً مسوولیت نیافت که این کار را انجام دهد."

دنيس بلر براي اين موضوع راه‌حلي ارائه کرد: تیم دیگری ایجاد کنید و راهبري امور مهم را به آن واگذار کنید! وی در ضمن برای این کار تقاضای بودجه بیشتر و استخدام تحلیلگران بیشتر کرد!

البته او تنها کسی نیست که بزرگتر کردن سیستم اطلاعاتی را راه‌حل مساله می‌بیند. لیتر نیز پس از واقعه کریسمس خواستار استخدام تحلیلگران بیشتر در سازمان خود شد.

اداره امنیت میهنی هم تقاضای تعداد بیشتری افسران نیروی هوایی، دستگاه‌های بازرسی بدن و تحلیلگر کرده است. اواما هم گفته است که جلوی هزینه‌های بیشتر در بخش امنیت ملی را نخواهد گرفت و این سخن به عبارتی یعنی موافقت با این تقاضاها.

تحلیلگران واشنگتن پست اضافه کردند: به این ترتیب قابل پیش‌بینی است که توسعه ساختمان‌ها و دفاتر این سیستم اطلاعاتی در سراسر آمریکا ادامه خواهد یافت. از کاخ سفید که پنج مایل به سمت جنوب شرقی حرکت کنید می‌بینید که اداره امنیت میهنی بار دیگر زمین را کنده است تا دفاتر فرماندهی مشترک خود با گارد ساحلی را بسازد. این اداره که تنها هفت سال از تاسیس آن می‌گذرد برای خود سطوح دسترسی ویژه، بازوی تحقیقاتی ویژه، مرکز فرماندهی ویژه و 230000 کارمند دارد. این سازمان به سومین سازمان بزرگ آمریکا بدل شده است.

به زودی بر جای یک بیمارستان روانی در خیابان "الیزابتس"، یک مجموعه ساختمانی عظیم دیگر با هزینه 3.4 میلیارد دلار ساخته می‌شود تا نشانه دیگری از سیستم اطلاعاتی سری آمریکا باشد. این مجموعه جدید پس از پنتاگون بزرگترین مجموعه ساختمانی دولتی خواهد بود و ابعاد آن چهار برابر لیبرتی کراسینگ پیش‌بینی می‌شود.